

بحران مهاجرت و همگرایی اروپا

علی صباغیان^۱

استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، تهران، ایران

علی کرمی

دانشجوی دکتری مطالعات اروپای دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۲۰

چکیده

در حالی که یکی از اهداف اصلی روند همگرایی اروپا آزادسازی رفت و آمد شهروندان در مرزها و ایجاد اروپای بدون مرز بوده بحران مهاجرت ۲۰۱۵ این روند را با بحران مواجهه کرده است. سؤال اصلی مقاله حاضر این است که چرا جابجایی شهروندان و مهاجران بین مرزهای کشورهای عضو اتحادیه اروپا عامل تضعیف همگرایی اروپا است؟ فرضیه مقاله این است که سیستم (بحران مهاجرت ۲۰۱۵) و ابعاد مختلف ساختار اروپای همگرا شده (مانند عوامل طبیعی، فرهنگی، ایدئولوژیکی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و...) بر هم کنش و واکنش متقابل دارند. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که محیط بحران مهاجرت ۲۰۱۵ را عواملی تشکیل می‌دهد که اگر چه جزء آن نیستند، اما تغییر در هر یک از آنها موجب تغییراتی در سیستم مهاجرت می‌شود و بر عکس. روش تحقیق مورد استفاده در این مقاله روش توصیفی - تحلیلی است. همچنین شیوه جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: مهاجرت، بحران، همگرایی اروپا، مدل سیستمی.

مقدمه

همگرایی مهم‌ترین مشخصه اروپا در عصر حاضر به شمار می‌رود به نحوی که تشکیل اتحادیه اروپا و کم رنگ شدن مرزهای سیاسی و اقتصادی و جمعیتی آن در سطح اروپا الگوی بخش اعظم پژوهش‌های سیاسی و نیز سیاست‌ها و طرح‌های ملی و بین‌المللی قرار گرفته است. همگرایی به طور عمده دارای دو بعد اقتصادی و سیاسی - اجتماعی است. با این وجود این روند در سالیان اخیر با بحران‌های چندی مانند بحران‌های اقتصادی و در ادامه سیاسی و اجتماعی مواجهه بوده است. یکی از مهم‌ترین بحران‌های که می‌تواند دارای تأثیرات مهمی برای روند همگرایی اروپا باشد بحران مهاجرت است که تحت تأثیر چالش‌های حادث در محیط پیرامونی اروپا مانند رشد افراط‌گرایی در خاورمیانه و نیز شمال آفریقا افزایشی فراتر از انتظار داشته است. بیش از سه میلیون نفر مهاجر و پناهنده در سال ۲۰۱۵ میلادی به اروپا وارد شده‌اند و بحرانی را به وجود آوردند؛ چرا که جرقه بحران مقابله با این هجوم را در کشورها ایجاد کردند و باعث دو دستگی در اتحادیه اروپا در مورد چگونگی برخورد با این مهاجران شده‌اند. اکثریت قریب به اتفاق مهاجران از طریق دریای مدیترانه وارد شدند، اما برخی نیز از راه زمینی ترکیه و آلبانی (Bendel, 2017).

بر اساس آمار یورواستات در سال ۲۰۱۴-۲۰۱۵ میلادی حدود سه میلیون و هشتصد نفر به بیست و هشت کشور عضو اتحادیه اروپا مهاجرت کرده‌اند. آمار بیشت و هشت کشور اروپایی نشان می‌دهد که سهم مهاجران - پناهندگان، تازه مهاجران و همچنین ساکنان خارجی در جمعیت آنان ۱۲ درصد است. نسبت مهاجرین در کشورهای مختلف از ۱۸/۳ درصد در سوئد تا ۱/۶ درصد در لهستان متغیر است. در برخی کشورها این سهم افزایش یافته است که عمدتاً به دلیل تعداد زیاد پناهجویانی است که در سال ۲۰۱۵ میلادی وارد اروپا شده‌اند. به عنوان مثال، در سوئد و مجارستان، در بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۶ میلادی، حجم زاد و ولد جمعیت خارجی به ترتیب ۱/۵ و ۱/۳ درصد افزایش یافته است (EPP, 2016).

مهاجرت تأثیرات فراوانی بر امنیت و نیز اقتصاد اتحادیه اروپا نهاده است. در این شرایط ترس از تروریسم، مسلمانان و پناهندگان، بیشتر از هرزمانی باعث شکاف میان احزاب راست و چپ اروپا شده است. در سراسر اروپا، به طور متوسط ۴۹ درصد مردم معتقدند که تعداد زیاد پناهندگان که از کشورهایمانند عراق و سوریه فرار می‌کنند، تهدیدی جدی برای کشورشان است. بیشتر از ۵۹ درصد مردم معتقدند که پناهندگان احتمال وقوع حملات تروریستی را در کشور افزایش می‌دهند. امنیت و اقتصاد دو مشخصه اولیه روند آغازین همگرایی اروپا به شمار می‌روند به نحوی که امنیت و اقتصاد بستر بوده‌اند و روند کنونی مهاجرت در اروپا این دو مؤلفه را در معرض خطر قرار داده است. با توجه به این مقدمه سؤال اصلی مقاله حاضر این است که چرا جابجایی شهروندان و مهاجران بین مرزهای کشورهای عضو اتحادیه اروپا عامل تضعیف همگرایی اروپا است؟ فرضیه مقاله این است که سیستم (بحران مهاجرت ۲۰۱۵ میلادی) و ابعاد مختلف ساختار اروپای همگرا شده (مانند عوامل طبیعی، فرهنگی، ایدئولوژیکی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و...) بر هم کنش و واکنش متقابل دارند. روش تحقیق مورد استفاده در این مقاله روش توصیفی - تحلیلی است. همچنین شیوه جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای است که بر اساس آن از منابع مختلف

همچون کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها، اسناد و منابع الکترونیکی استفاده خواهد شد. سازماندهی مقاله به این صورت است که بعد از گذر از بحث‌های مقدماتی در چارچوب نظری مقاله مدل سیستمی مهاجرت به عنوان چارچوب نظری مقاله توضیح داده می‌شود و در ادامه بحران مهاجرت ۲۰۱۵ میلادی اروپا و ابعاد آن را با ذکر آمارهای موجود مورد بررسی قرار می‌دهیم و در نهایت تأثیرات بحران مهاجرت مذکور را بر همگرایی اروپا تحلیل و تبیین می‌کنیم.

چارچوب نظری مقاله

تعاریف گوناگونی از مهاجرت ارائه گردیده است ولی به طور کلی مهاجرت حرکت فرد و یا دسته‌ای از انسان‌ها از یک واحد جغرافیایی به واحد جغرافیایی دیگر به صورت داوطلبانه و شخصی است (سجادپور، ۱۳۸۴، ص. ۱۵). مهاجرت به عنوان یک پدیده اجتماعی همواره در کانون توجه جمعیت‌شناسان و جامعه‌شناسان قرار داشته است، بر همین اساس برای یافتن عوامل دخیل بر مهاجرت و یافتن تأثیرات آن بر جوامع مبدأ و مقصد، دیدگاه‌ها و نظریه‌های متعددی را مطرح نموده‌اند که خلاصه این نظریات را در قالب جدول زیر مرور می‌کنیم:

جدول شماره ۱- نظریات مهاجرت

متغیر	نظریه	نظریه‌پرداز	نوع مهاجرت	سطح تجزیه و تحلیل	واحد تجزیه و تحلیل	انواع موانع	بخشی از روند ارائه شده
اقتصادی	نوکلاریسم (۱)	هریس-تادارو	کار	داخلی یا کلان	جامعه یا کشور	هیچ کدام	آغاز، تداوم و پایان
	نوکلاریسم (۲)	هریس-تادارو	کار	داخلی یا بین‌المللی	فرد	هزینه‌های مهاجرت و احتمال استخدام	آغاز
	اقتصاد جدید مهاجرت	استارک-تیلور	کار	داخلی یا بین‌المللی	خانواده	کمبود نهادهای مالی و بیمه کافی	آغاز و تداوم
	اقتصاد مهاجرت خانوادگی	مینسر	کار	داخلی یا بین‌المللی	خانواده/زوج	مهاجرت به همان مقصد	آغاز
	بازار کار تقسیم شده	پیور	کار	بین‌المللی	جامعه یا کشور	محدودیت‌های ساختاری در مقصد باعث کاهش جابجایی اجتماعی می‌شود	آغاز و تداوم
	نظام‌های جهانی	والراستین	کار	بین‌المللی	کشور	محدودیت‌های تحمیل شده توسط مقامات در نظام کاپیتالیستی	آغاز و تداوم
جامعه‌شناختی	کشیدن/هل دادن	لی	تمام انواع	داخلی یا بین‌المللی	فردی	برخی از محدودیت‌ها ممکن است به عنوان عوامل کششی تعبیر شوند	آغاز
	شبکه‌ها	نویسندگان متعدد	تمام انواع	داخلی یا بین‌المللی	فردی/خانوادگی	هیچ کدام	تداوم
گذار	گذار جابجایی	زلینسکی	همه انواع به استثنای نوع تحمیل شده	داخلی یا بین‌المللی	کشورها	هیچ کدام	فرایند
سیاسی	علم سیاست	زولبرگ	همه انواع به علاوه نوع تحمیل شده	بین‌المللی	دولت در ارتباط با فرد	برخی که توسط دولت‌های منطقه و مقصد اعمال می‌شود	فرایند
سیستم‌ها	رویکرد سیستم‌ها	کریتز و دیگران	تمام انواع	بین‌المللی	دولت، جامعه و فرد	برخی که توسط دولت‌های منطقه و مقصد، ساختار تولید و نهادها اعمال می‌شود	فرایند شامل مکانیسم‌های بازتاب

با وجود آن که رابطه متغیرهای تحقیق حاضر را می‌توان از دریچه‌ی نظریه‌های مختلف مهاجرت که در جدول شماره یک بدان‌ها اشاره شده است مانند نظریات مختلف همگرایی از جمله نظریه ارتباطات، خود نظریه‌های مهاجرت مانند نظریه محرومیت نسبی و یا نظریه‌های فرهنگ پذیری و ... تبیین و تحلیل کرد اما به نظر می‌رسد با توجه به هدف پژوهش که تحلیل و تبیین تأثیر مهاجرت بر همگرایی اروپا است نظریه نظام‌های مهاجرت به نحو بایسته‌تری می‌تواند به برآورده شدن این هدف یاری رساند؛ بنابراین در ادامه به طرح نظریه مدل سیستمی مهاجرت می‌پردازیم:

مابوگونج^۱ سیستم مهاجرت را این گونه تعریف می‌کند: مجموعه‌ای از مکان‌های به هم مرتبط به وسیله جابجایی‌ها بعلاوه موانع جابجایی انسان‌ها، کالاها، خدمات و اطلاعات که باعث تسهیل مهاجرت بیشتر بین مکان‌های مختلف می‌شود. در سال ۱۹۹۲ میلادی کریتز^۲ و دیگران این مفهوم را به مهاجرت بین‌المللی گسترش دادند. سیستم‌های مهاجرت بین‌المللی معمولاً به جریان مهاجرت بین کشورهایی می‌پردازد که از طریق مکانیسم بازخورد، جابجایی مردم را با جریان کالا و سرمایه و ایده‌ها و اطلاعات ملازم می‌سازد ((Kubal et al, 2011, p.4-10). متغیرهای اصلی مدل سیستمی مهاجرت عبارت‌اند از: ۱- خرده سیستم جامعه‌پذیری: این متغیر به عوامل تأثیرگذار بر جامعه‌پذیری فرد مهاجر اشاره می‌کند: میزان توسعه‌یافتگی مکان مبدأ مهاجر، بعد خانوار، میزان تحصیلات والدین مهاجر، میزان وابستگی مهاجر به محل تولد و نیز میزان احساس غربت با آن. ۲- خرده سیستم نهادی: این متغیر نهادهایی را که شخص با آن‌ها به نوعی در چالش است مورد توجه قرار می‌دهد. سطح آگاهی و اطلاعات عمومی و نیز میزان تحصیلات شخص مهاجر، سطح آگاهی و شناخت شخص مهاجر در مورد مناطق مبدأ و مقصد، وضعیت سازمان‌ها و اتحادیه‌های صنفی موجود در مبدأ و مقصد و نوع ارتباط با آن‌ها، صلاحیت و شایستگی مهاجر برای اولین استخدام در منطقه مقصد و بالاخره وضعیت تأهل مهاجر. ۳- خرده سیستم مصرفی: شامل به دست آوردن کالای مصرفی (خودرو، تلویزیون و...) ساختن واحد مسکونی در مبدأ و بالاخره استخدام همسر در مقصد. ۴- متغیرهای تنظیمی: این متغیرها مواردی نظیر وضعیت منطقه سکونت در مقصد، انگیزه مراجعت به مبدأ، مدت اقامت در مقصد و متغیرهای جمعیتی مانند جنس و سن را شامل می‌شود. مدل سیستمی سپس به وسیله ریچموند و ورما^۳ برای بررسی مهاجرت‌های بین‌المللی نیز مورد استفاده قرار گرفت. نظریه دیگری که با نظریه سیستم‌های مهاجرت مرتبط است نظریه شبکه‌های مهاجرت است. این نظریه بر خلاف سایر نظریات، مهاجرت را پدیده‌ای فردی و حاصل انتخاب فرد نمی‌داند بلکه آن را عملی می‌داند که دارای یک چارچوب اجتماعی متشکل از خانواده‌ها، دوستان و همسالان و هم‌قطاران و سایر بازیگران مهم مانند مهاجران پیشگام است (Mabogunje, 1970, 4-13). در این تئوری مهاجران قربانی بی‌عدالتی و یا سیستم اجتماعی نیستند بلکه بازیگرانی اجتماعی هستند که در شکل‌گیری مهاجرت نقش فعالی دارند. در این تئوری ساختارهای اجتماعی نقش فراوانی در شکل‌گیری مهاجرت دارند و در عین حال مهاجرت نیز ساختارهای اجتماعی جدیدی را به وجود می‌آورد. کاربرد این گونه مدل‌ها به طور مشخص از آثار

¹. Mabogunje

². Critz

³. Richmond & Verma

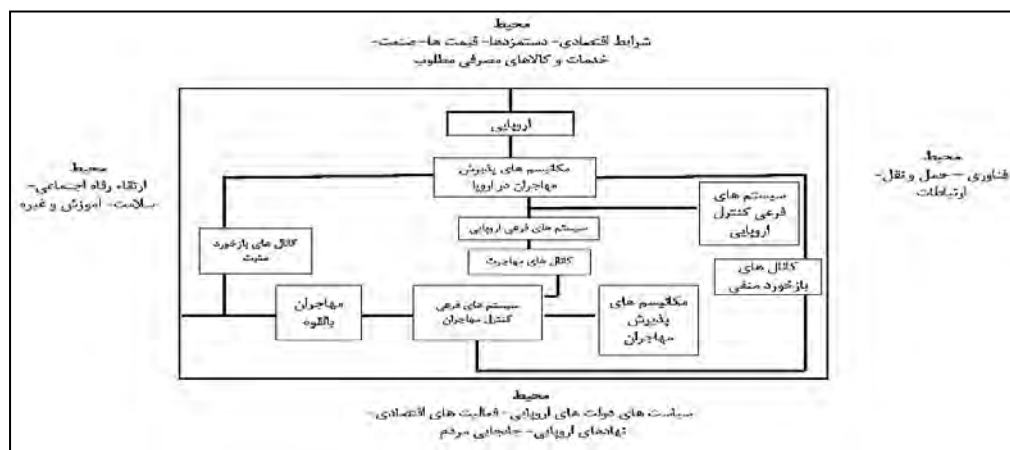
مابوگونج^۱ آغاز گردید. مابوگونج بر این اعتقاد بوده است که به وسیله نظریه عام سیستمی بهتر می توان مهاجرت های روستا- شهری را تبیین نمود. در این مدل هم مهاجرین و هم نهادهای که در کنش متقابل هستند در قالب یک چارچوب کلی نگریسته شده و بدین ترتیب، مجموعه اجزاء در حال کنش متقابل با یکدیگر با ویژگی ها و روابط در ساختاری منسجم لحاظ می شوند.

در چارچوب نظریه کلی سیستم ها مابوگونج بر اهمیت نقش مکانیسم بازخورد در شکل دادن به سیستم های مهاجرت تأکید دارد. به عنوان مثال، اطلاعات مربوط به پذیرش و پیشرفت مهاجران در مقصد به مبدأ اصلی بازگردانده می شود سپس، اطلاعات مثبت باعث تشویق مهاجرت بیشتر و منجر به جریانات مهاجرتی تقریباً سازماندهی شده از روستاهای خاص به شهرهای خاص و ... می شود: به عبارت دیگر، وجود اطلاعات در سیستم موجب انحراف بیشتر از محتمل ترین یا تصادفی ترین حالت می شود ... زیرا وضعیت سیستم در هر زمان خاص از طریق تحلیل شرایط اولیه آن به واسطه ماهیت فرایند و یا پارامترهای سیستم تعیین نمی شود ... به این خاطر که یک سیستم باز اساساً مستقل از شرایط اولیه آن ها است. سیستم های مهاجرت، افراد، خانواده ها و جوامع را در فضایی به هم مرتبط می کند که امروزه جوامع فراملی یا تبدالی نامیده می شوند. اثر این وضعیت در ساختار جغرافیایی و خوشه بندی جریان های مهاجرت است که از حالت تصادفی دور است: زیرسیستم های رسمی و غیررسمی برای تقویت ماهیت سیستماتیک جریان های بین المللی با تشویق مهاجرت در مسیرهای خاص و جلوگیری از آن در سایر مسیرها عمل می کنند. نتیجه نهایی مجموعه ای از مبادلات نسبتاً پایدار است ... ساخت یک ساختار جغرافیایی قابل شناسایی که همچنان در طول زمان و مکان ادامه دارد. با رشد رویکرد سیستمی، مابوگونج نگران درک شدن مهاجرت به عنوان یک روند با مکانیسم بازخوردی بود که الگوهای آینده مهاجرت را تغییر می داد. او رویکرد سیستم مهاجرت روستایی- شهری درون قاره آفریقا را به عنوان راهی جهت توضیح اینکه چرا و چگونه یک مهاجر روستایی به یک ساکن دائمی شهری تبدیل می شود به کار برد (Mabogunje, 1970, p. 5).

مابوگونج اولین فردی نبود که از مفهوم سیستم برای تحلیل مهاجرت استفاده می کرد: برای مثال، بررسی هایی در مورد مهاجرت سیستمی کارگران غرب و جنوب آفریقا وجود دارد، اما در اینجا این اصطلاح به عنوان یک سیستم سازماندهی جامعه، اغلب توسط نیروهای خارجی، مانند سرمایه داری تحمیل شده است. با این حال، بررسی های فوق نباید با مفهوم متمایز مابوگونجی از سیستم مهاجرت به عنوان مجموعه ای از مکان ها که توسط جریانات انسانی و غیرانسانی کالاها، خدمات و اطلاعات مرتبط می باشد که تبدلات بیشتر از جمله مهاجرت بین مکان ها را تسهیل می کند، خلط شود. این مفهوم توسط گیتز^۲ و همکاران (۱۹۹۲) به طور جامع تر بسط داده شده است که آن را به مهاجرت بین المللی گسترش دادند. سیستم های مهاجرت بین المللی شامل کشورها یا جایگاه ها مختلف در کشورهای مختلف می شوند که تعداد زیادی از مهاجران را مبادله می کنند و نیز با مکانیسم بازخوردی مشخص می شوند که حرکت مردم را در بین کشورهای خاص، مناطق و حتی شهرها با جریان های همسایگی کالاها، سرمایه (پولی)، ایده ها و اطلاعات همراه می کند. نتیجه نهایی مجموعه ای از مبادلات نسبتاً پایدار بین ملت های خاص است ... که

1. mabogunje
2. Kritz

یک ساختار جغرافیایی قابل شناسایی را شکل می‌دهد که در فضا و زمان باقی می‌ماند. فرضیه ضمنی این است که سیستم‌های مهاجرت با درجه قابل توجهی از خوشه‌بندی جریان‌های مهاجرت مشخص می‌شود (De Haas, 2010a, p.15).



نمودار شماره ۱- مدل مفهومی پژوهش

ابعاد بحران مهاجرت در اروپا

بحران مهاجرت اروپایی یا بحران پناهندگی اروپایی بیشتر به دوره زمانی‌ای که از ۲۰۱۵ میلادی آغاز شد و در پی آن تعداد زیادی مهاجر و پناهنده از دریای مدیترانه و جنوب شرقی اروپا وارد اتحادیه اروپا شدند اطلاق می‌شود. این روند بخشی از الگوی افزایش مهاجرت از سایر کشورها به اروپا از اواخر قرن بیستم به شما می‌رود که مقاومت‌هایی را در برخی از کشورهای قاره به دنبال داشت. بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ میلادی سالیانه یک میلیون و چهارصد هزار نفر پناهنده از طریق کانال‌های پیش‌بینی شده و متداول وارد اتحادیه اروپا می‌شده‌اند که البته نشانگر کاهش ورود مهاجران از ۲۰۱۰ میلادی به بعد بوده است. در سال ۲۰۱۴ میلادی با افزایش ورود مهاجران عمدتاً لیبیایی از دریای مدیترانه به ایتالیا دولت‌های عضو اتحادیه از پرداخت هزینه به فرانتکس^۱ برای رسیدگی به وضعیت آنان در ایتالیا اجتناب کردند. از شش ماهه اول سال ۲۰۱۵ میلادی یونان جای ایتالیا را در تعداد مهاجران وارده به کشور از منطقه بالکان به قصد کشورهای شمال اروپا و به ویژه المان و سوئد گرفت (Grigonis, 2016, p. 22). بر اساس آمارهای یورو استات کشورهای عضو اتحادیه در سال ۲۰۱۵ میلادی مقصد یکی میلیون و دویست هزار نفر مهاجر بوده‌اند یعنی بیش از دو برابر میزان سال قبل. چهار کشور المان، لهستان، سوئد و اتریش مقصد دو سوم کل مهاجران اتحادیه بوده‌اند (Poddar, 2016, p. 18).

بر اساس آمار یورو استات در سال ۲۰۱۴ میلادی حدود سه میلیون و هشتصد هزار نفر به ۲۸ کشور عضو اتحادیه اروپا مهاجرت کرده‌اند. این آمار شامل شهروندان کشورهای عضو، غیراروپایی‌ها فاقد کشورها و اشخاص فاقد شهروندی بوده است. از سه میلیون و هشتصد هزار نفر یک میلیون و ششصد هزار نفر از کشورهای خارج از اتحادیه بوده‌اند. بیشترین تعداد مهاجران یعنی هشتصد و هشتاد و چهار هزار و نهصد نفر وارد المان شده‌اند و انگلستان با سیصد و سی و نه هزار و نهصد نفر در رتبه بعدی قرار داشته است. فرانسه با سیصد و بیست و نه هزار

^۱ آژانس محافظت از مرزهای اروپا (فرانتکس)

و نهصد نفر، اسپانیا با سیصد و پنج هزار و پانصد نفر و ایتالیا با دویست و هفتاد و هفت هزار و شش نفر به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار داشتند. در این سال کلاً دو میلیون و هشتصد هزار نفر از ۲۸ کشور عضو اتحادیه اروپا خارج شده‌اند. به طور کلی پنج کشور نخست مهاجرپذیر اتحادیه اروپا عبارت‌اند از: اسپانیا با چهارصد هزار و چهارصد نفر، آلمان با سیصد و بیست و چهار هزار و دو نفر، بریتانیا با سیصد و نوزده هزار و صد نفر، فرانسه با دویست و نود چهار هزار و یک نفر و لهستان با دویست و شصت و هشت هزار و سیصد نفر. بر اساس آمارهای یورواستات در سال ۲۰۱۵ میلادی از مجموع کل جمعیت کشورهای عضو اتحادیه اروپا سی و چهار میلیون و سیصد هزار نفر که در یکی از کشورهای عضو زندگی می‌کنند در کشوری غیر از ۲۸ عضو اتحادیه به دنیا آمده‌اند و هجده میلیون و پانصد هزار نفر در کشور مادری خود اقامت نداشته‌اند. نوزده میلیون و پانصد هزار نفر ساکن در یکی از ۲۸ کشور عضو اتحادیه شهروند کشوری ثالث بوده‌اند و پانزده میلیون و سیصد هزار نفر نیز علاوه بر کشور محل سکونت خود شهروند یکی دیگر از ۲۸ کشور عضو نیز بوده‌اند (Poddar, 2016, p. 25). در پاسخ به بحران مهاجرت ۲۰۱۵ میلادی و فشار سیاسی و عمومی به سیاستمداران اروپایی برای اقدام مشترک در مقابله با مهاجرت و نیز بسته‌بندی ابتکارات مهاجرتی اتحادیه با تمرکز بر آفریقا بوده است که شامل پیش‌نویس اروپایی مهاجرت ۲۰۱۵، اجلاس والتا^۱ و نقشه راه والتا، صندوق اعتماد اتحادیه برای آفریقا^۲ و پیش‌نویس مشترک مهاجرت و جابجایی^۳، موافقت‌نامه‌های امضاء شده با برخی کشورها مانند اتیوپی و نیجریه. چارچوب مهاجرتی مشترک بایستی در طور توافقات اتحادیه اروپا با آفریقا در مسئله مهاجرت از جمله گفت‌وگوهای مهاجرتی و جابجایی اتحادیه اروپا - آفریقا^۴ و گفت‌وگوهای دوره‌ای رباط و خارطوم دیده شود. چارچوب مهاجرتی مشترک نیازمند مساعدت و تلاش هماهنگ سیاسی، مالی اتحادیه و اعضاء برای رسیدن به اهداف است؛ اما به نظر می‌رسد در این باره میان اعضاء تنش‌ها و تضادهایی وجود دارد که این باعث شده است ملاحظات خاص خود را در این باره دنبال کنند و روابط دو جانبه و منافع خود را در آفریقا بر این چارچوب اولویت نهند؛ اما واقعیت‌ها نشان می‌دهد که انتظار منافع مشترک اتحادیه در موضوع مهاجرت بیشتر یک افسانه است و منافع کشورهای اروپایی در مسئله مهاجرت بیشتر متأثر از منافع ملی و روابط تاریخی دو جانبه با کشورهای مهاجر فرست است. بحران مهاجرت شمال و جنوب اتحادیه اروپا را در مقابل هم قرار داده است. ایتالیا و یونان معتقدند که برای مقابله با ورود مهاجران تنها هستند و کمکی از ناحیه کشورهای عضو دریافت نمی‌کنند. از طرف دیگر کشورهای شمالی نیز کشورهای جنوب را سرزنش می‌کنند که مرزهای خود را در دریای مدیترانه به خوبی کنترل نمی‌کنند و مهاجرت مهاجران را به کشورهای شمالی مرفه‌تر یعنی آلمان اتریش و سوئد تسهیل می‌کنند (Stiftung, 2017, p.2).

مبدأ مهاجران

هرچند درگیری در سوریه بزرگ‌ترین عامل بحران مهاجرت ۲۰۱۴-۲۰۱۵ میلادی است اما خشونت‌های مداوم در

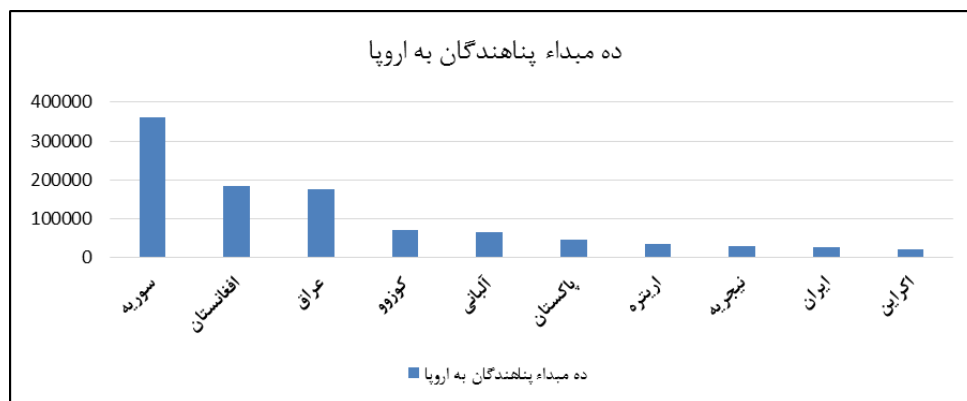
1. Valletta Summit

2. EUTF

3. CAMM

4. MMD

افغانستان و عراق، درگیری‌های اریتره و همچنین فقر در کوزوو، مردم را به دنبال یافتن زندگی‌های جدید در جاهای دیگر می‌اندازد.



نمودار شماره ۲- کشورهای مبدأ پناهندگان به اروپا

منبع: (<https://ec.europa.eu>)

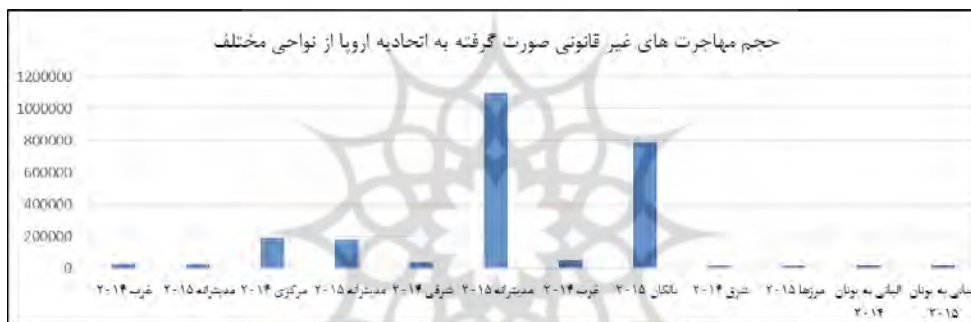
مهاجران بیرونی به اروپا بیشتر پناهندگانی بودند که از ترس اقدامات گروه‌های مثل داعش به اروپا هجوم آوردند و از کشورهای جنوب و شرق اروپا که اکثریت مسلمان داشتند بودند. یعنی خاورمیانه و افریقا. بر طبق گزارش کمیسیونر سازمان ملل متحد در امور پناهندگان^۱ بین ژانویه ۲۰۱۵ و مارس ۲۰۱۶ میلادی بالغ بر یک میلیون نفر به قصد مهاجرت وارد دریای مدیترانه شده‌اند که ۴۶/۷ درصد سوری، ۲۰/۹ درصد افغان و ۹/۴ درصد عراقی بودند. در آوریل ۲۰۱۵ میلادی در اثر واژگونی چهار قایق حامل مهاجران در دریای مدیترانه تقریباً هزار و دویست نفر جان خود را از دست داده‌اند. ۵۸ درصد مهاجران وارده به اروپا مردان بالای ۱۸ سال و ۱۷ درصد زنان بالای ۱۸ سال و ۲۵ درصد نیز زیر ۱۸ سال بوده‌اند. علت به وجود آمدن بحران مهاجرت در اروپا جنگ‌ها و تنش‌های به وجود آمده در کشورهای آسیایی و افریقایی است که تعداد آوارگان را در اواخر سال ۲۰۱۴ میلادی به شصت میلیون نفر رساند که بیشترین تعداد بعد از جنگ جهانی دوم بوده است. ده کشوری که بیشترین تعداد مهاجر را به اروپا گسیل داشته‌اند عبارت‌اند از: اردن، ترکیه، پاکستان، لبنان، ایران، اتیوپی، کنیا، اوگاندا، کنگو و چاد (Weber, 2017,p.5). همان طوری که آمارها نشان می‌دهند بیشتر مهاجرین از مناطقی که دچار ناامنی و جنگ و ضعف اقتصادی هستند به سوی اروپا سرازیر می‌شوند: مناطقی مانند غرب بالکان، افریقا و خاورمیانه. در واقع ریشه همه جریان‌های مهاجرتی کنونی اتحادیه اروپا در همسایگان خود اتحادیه است. به نظر می‌رسد که اتحادیه بایستی سیاست خارجی و امنیتی مشترک خود را برای مقابله با بحران مهاجرت در کشورهای مهاجر فرست تقویت کند (Weber, 2017,p.6).

مقاصد و مسیرهای مهاجرت

اگرچه تمام کسانی که به اروپا وارد می‌شوند درخواست پناهندگی نمی‌کنند، اما بسیاری از آن‌ها این کار را انجام می‌دهند. آلمان بیشترین تعداد درخواست‌های پناهندگی جدید را در سال ۲۰۱۵ میلادی دریافت کرد که بیش از چهارصد و هفتاد شش هزار نفر بود؛ اما تعداد بسیار بیشتری وارد این کشور شده‌اند - مقامات آلمانی گفته‌اند که

^۱. UNHCR

بیش از یک میلیون نفر در توزیع اولیه پناهجویان^۱ برای شمارش و توزیع قبل از درخواست ادعای پناهندگی شمارش شده‌اند. مجارستان دومین کشور از لحاظ درخواست پناهندگی است، چراکه مهاجران بیشتر سفر خود را از طریق یونان و بالکان غربی انجام دادند که تا پایان دسامبر ۲۰۱۵ میلادی یکصد و هفتاد و هفت هزار و صد و سی درخواست داشته‌اند (Archick, 2016,p.13). سازمان بین‌المللی مهاجرت^۲ برآورد کرده است که بیش از یک میلیون و یازده هزار و هفتصد نفر مهاجر در سال ۲۰۱۵ میلادی از طریق دریای مدیترانه و تقریباً سی و چهار هزار و نهصد نفر از طریق زمین خود را به اروپا می‌رسانده‌اند. این آمار نشان دهنده دو میلیون و هشتصد هزار نفر ورودی از زمین و دریا در سال ۲۰۱۴ میلادی است. این آمار افرادی که به صورت پنهانی وارد شده‌اند را شامل نمی‌شود. آژانس گارد مرزی و ساحلی اروپا^۳، مسیرهای مختلف ورود مهاجران و ورود به مرزهای اروپا را نظارت می‌کند که در سال ۲۰۱۵ میلادی بیش از یک میلیون و هشتصد هزار نفر را به اروپا ثبت کردند. بسیاری از کسانی که به یونان سفر می‌کنند، سفر نسبتاً کوتاهی را از ترکیه به جزایر کوز، چیوس، لسوس و ساموس انجام می‌دهند که اغلب با قایق‌های تیوپی یا چوبی کوچک است (Archick, 2016,p.13).



نمودار شماره ۳- آمار مهاجرت‌های غیرقانونی به اتحادیه اروپا

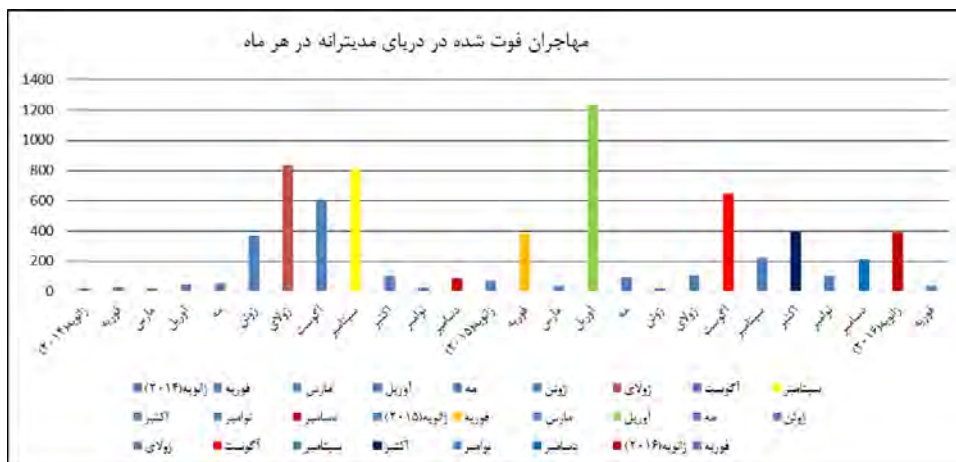
منبع: (<https://www.statista.com>)

بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی مهاجرت در سال ۲۰۱۵ میلادی بیش از سه هزار و هفتصد و هفتاد مهاجر برای عبور از دریای مدیترانه تلاش کرده‌اند. بیشتر آن‌ها در گذر از شمال آفریقا به ایتالیا جان خود را از دست دادند و بیش از هشتصد تن در گذرگاه اژه از ترکیه به یونان کشته شدند. ماه‌های تابستان معمولاً بیشترین مرگ و میر صورت می‌گیرد زیرا شلوغ‌ترین زمان برای مهاجرانی است که تلاش می‌کنند به اروپا برسند؛ اما در سال ۲۰۱۵ میلادی، مرگبارترین ماه برای مهاجران، ماه آوریل بود که قایقی که در حدود هشتصد نفر را از دریای لیبی عبور می‌داد واژگون شد که جمعیت بیش از حد ظرفیت قایق یکی از دلایل این فاجعه بود.

¹. Initial Distribution of Asylum-Seekers

². IOM

³. Frontex



نمودار شماره ۵- مهاجران فوت شده در دریای مدیترانه در هر ماه

منبع (https://www.theguardian.com)

اگرچه آلمان در سال ۲۰۱۵ میلادی بیشترین درخواست پناهندگی را داشت، مجارستان با وجود بستن مرز خود با کرواسی برای توقف جریان مهاجرت در ماه اکتبر بیشترین میزان جمعیت مهاجر را در خود گنجانده. تقریباً هزار و هشتصد پناهنده در هر یکصد هزار نفر از جمعیت محلی مجارستان در سال ۲۰۱۵ میلادی درخواست پناهندگی داده‌اند. سوئد کشور بعدی است با هزار و ششصد و هفتاد و هفت در هر یکصد هزار نفر. این رقم برای آلمان پانصد و هشتاد و هفت بود و برای بریتانیا شصت درخواست برای هر یکصد هزار نفر بود. متوسط اتحادیه اروپا دویست و شصت بود (Wintour, 2017).

ابعاد تأثیرگذاری بحران مهاجرت بر همگرایی در اتحادیه اروپا

اگر مهاجرت دو دسته تأثیر مثبت و منفی بر همگرایی اروپا داشته است به تبع بحران مهاجرت مورد مطالعه این مقاله نیز دارای دو دسته تأثیرات مثبت و منفی است که در ادامه هر یک از این تأثیرات بیشتر توضیح داده می‌شود:

الف- تأثیرات مثبت بحران مهاجرت بر همگرایی اروپا

۱- بحران مهاجرت و ایجاد مسئله سیاست مهاجرتی در روابط کشورهای اروپا

بحران تاریخی مهاجرت اروپا تحولی پیش‌بینی ناپذیر و روندهای آینده آن نیز غیر منتظره است. این واقعیت از اشکال مهاجرت در اروپا به خوبی فهمیده می‌شوند مانند: مهاجرت‌های شغلی و کاری^۱، مهاجرت‌های استعماری^۲ و مهاجرت‌های پناهندگی^۳. چارچوب‌های قانونی که به وسیله آن‌ها مهاجرت‌های بعد از جنگ جهانی دوم اتفاق افتاده‌اند نیز متنوع بوده‌اند اما به طور کلی می‌توان آن‌ها را به دو دسته تقسیم نمود: ۱- مهاجرتی استعماری^۴ - مهاجرت کارگران مهمان^۵. در واقع قبول مهاجران در قالب این دو مدل بیشتر به منظور جبران کمبود نیروی کار دوران شکوفایی اقتصادی اروپا بوده است (collet & le coz, 2018, p,7).

1-labour immigration

2-Colonial immigration

3-asylum immigration

4-Colonial immigration regimes

5-guest- worker policies

اولین تأثیری که بحران مهاجرت بر روابط کشورهای اروپایی داشته است به وجود آمدن مسئله سیاست مهاجرت ملی و منطقه‌ای (اتحادیه اروپا) در میان این کشورها است. در این رابطه می‌بینیم که کشورهای اروپایی ۱۱ سند اروپایی از سال ۱۹۶۸ تا آخرین آن شامل دستورالعمل شورای اروپا در ۱ دسامبر ۲۰۰۵ (رویه‌های پناهندگی) را تصویب نموده‌اند. اهمیت این مسئله و تأثیر آن بر روابط کشورهای اروپایی به حدی است که نادیده گرفتن و رعایت نکردن تعهدات بین‌المللی از سوی بعضی کشورها سایر کشورهای اروپایی را متأثر خواهد نمود. به عنوان مثال کشورهای شمال اروپا که در مقایسه با کشورهای جنوب بسیار کمتر با مسئله ورود مهاجران غیرقانونی از مبادی کشورهای آفریقایی درگیر هستند، از یک سو از سیاست‌های دولت‌هایی نظیر مالت، یونان و ایتالیا انتقاد می‌کنند و از سوی دیگر حاضر به پذیرفتن بخشی از بار مشکلات موجود نیستند. در این رابطه، کشورهای شمال اروپا همچون آلمان با قبولاندن نقطه نظرات خود به دیگر کشورها در نشست‌های مشترک نظیر اجلاس دبلین-۲ در سال ۱۳۸۲، مسئولیت رسیدگی به امور مهاجران غیرقانونی را تنها متوجه کشورهای مقصد این پناهجویان کرده و از پذیرش تعهد در قبال مسائل این مهاجران خودداری کرده‌اند. در مقابل، کشورهای جنوب نیز با رعایت نکردن کامل مقررات مربوط به رفت و آمد در قلمرو اتحادیه اروپا، مسیر عبور پناهجویان به مقصد دیگر کشورهای اتحادیه را هموار ساخته‌اند.

۲- لزوم هماهنگی در سیاست‌گذاری‌ها

امروزه در وضعیت جدید جهانی، پدیده‌های فراملی و موضوعات عام جهانی به گونه‌ای هستند که نه تنها یک یا چند کشور، بلکه تمام جهان و عموم جهانیان را به خود مبتلا نموده‌اند. در فضای جدید، امنیت داخلی هر کشور به امنیت منطقه‌ای و جهانی وابسته است. منافع هر جامعه در پیوند نزدیک با منافع سایر جوامع هستند. مهاجرت نیز از جمله موضوعاتی است که برخورد کارآمد و مؤثر با آن نیازمند عزمی جهانی و منطقه‌ای است. سیاست‌گذاری‌های مهاجرتی هم توسط نهادهای اروپایی انجام می‌شوند و هم توسط کشورهای اروپایی به صورت جداگانه. اصولاً یکی از معضلات سیاست‌گذاری‌های مهاجرتی در اروپا نداشتن الگویی اروپایی و واحد است که انتقادات بسیاری را در سطح اروپا و جهان برانگیخته است. سال‌هاست مقامات اروپایی با اتخاذ سیاست‌های مهاجرتی محدود و بسته، مانع از حضور قانونی مهاجرین در خاک خود می‌شوند. در چنین شرایطی شاهد افزایش مهاجرت غیرقانونی به سمت کشورهای اروپایی هستیم. وقوع فاجعه در سواحل لامپدوزا ایتالیا و مرگ بیش از ۳۰۰ نفر در پی غرق شدن کشتی حامل مهاجرین شاهد این مسئله است. جودیت ساندرلند^۱، جانشین معاون امور اروپای غربی دیده‌بان حقوق بشر با انتقاد از اتحادیه اروپا می‌گوید این اتحادیه بیشتر از این که به فکر کمک به مردمی باشد که از کشورهای جنگ‌زده و فقیر فرار می‌کنند درباره امنیت مرزهای خود نگران است افزود: «سران اتحادیه اروپا باید به اقدامی فراتر از ابراز تأسّف دست بزنند و به اقدامات قاطع برای کمک به جلوگیری از مرگ تعداد بیشتری از مهاجران در دریا متعهد باشند (Fillmore, 2016, p. 32).

^۱. Judith Sunderland

۳- بحران مهاجرت و مرزهای خارجی اتحادیه اروپا

با توجه به شکل‌گیری اروپای بدون مرز و رفت و آمد آزادانه در درون مرزهای این منطقه، عبور و مرور در مرزهای خارجی این اتحادیه از اهمیت بالایی برخوردار شده است و تأثیر آن نیز فراگیر خواهد بود؛ زیرا مقصد مهاجران غیرقانونی کشورهای مرفه اروپایی است هرچند مبادی ورود کشورهای جنوبی و شرقی است. به عنوان مثال یکی از نمودهای سیاست مهاجرتی اتحادیه اروپا پیمان شنگن یا همان «پیمان مرزهای آزاد» است. بر اساس مفاد این پیمان، شهروندان کشورهای عضو بدون اخذ رواید می‌توانند به این کشورها سفر کنند. در مقابل تقویت تدابیر امنیتی در مرزها به ویژه در مرز با کشورهای غیراروپایی مانند اوکراین، بلاروس و صربستان از جمله شرایطی است که کشورهای خواستار پیوستن به شنگن باید آن را رعایت کنند. در واقع سیاست‌های مهاجرتی متنوع و ناهماهنگ باعث می‌شود که مرزهای جنوبی و شرقی اتحادیه اروپا که دروازه‌های ورود مهاجران به اروپا به شمار می‌روند (مثل مرزهای ایتالیا و مالت) برجسته گردند به نحوی که اقدامات مرزی این کشورها بر کل اروپا تأثیر خواهد گذاشت؛ بنابراین کنترل بهتر و کارآمدتر مرزهای خارجی اتحادیه نیازمند همکاری کشورهای شمال خواهد بود. در این راستا اتحادیه اروپا به منظور مبارزه مؤثرتر با پدیده فزاینده مهاجرت‌های غیرقانونی و جلوگیری از وقوع فجایع ناشی از این پدیده از جمله غرق شدن کشتی‌های حامل مهاجران، یک سامانه نظارتی جدید در مرزهای جنوبی خود فعال کرد. عملیاتی شدن این سامانه نظارتی جدید بر مرزهای خارجی اتحادیه اروپا که به یوروسور^۱ معروف است این امکان را خواهد داد که پیوسته از خطرات و مشکلات احتمالی موجود در مرزهای خارجی اتحادیه آگاهی یابند و بنا به شرایط موجود به کشورهای دخیل اجازه دهند تصمیمات لازم را اتخاذ کنند (Migration to the EU: five persistent challenges, 2018, p.23).

۴- تأثیر بحران مهاجرت بر سیاست‌گذاری‌های اتحادیه اروپا

هنگامی که یک کشور جدید به اتحادیه اروپا می‌پیوندد شهروندان آن از همان حقوق شهروندان دیگر کشورهای عضو، از جمله آزادی تحرک نیروی کار بهره‌مند می‌شوند. این اصل به خودی خود مشکل ندارد، اما بحران‌های اقتصادی و افزایش بیکاری انبوه منجر به درک تحرک کار به عنوان تهدیدی برای ثبات بازار کار می‌شود. به عنوان مثال هنگامی که یونان (۱۹۸۱)، پرتغال (۱۹۸۶) و اسپانیا (۱۹۸۶)، به اتحادیه اروپا پیوستند موافقت‌نامه‌های انتقالی^۲ به اجرا گذاشته شد. این موافقت‌نامه‌ها تحرک کارگران یونانی، پرتغالی و اسپانیایی را برای یک دوره زمانی محدود نموده است که به عنوان نوعی اقدام احتیاط محسوب می‌شود. بیست سال بعد زمانی که موضوع جابجایی نیروی کار در دستور کارهای سیاسی بالا گرفت و بحث در مورد گسترش اتحادیه اروپا به سمت شرق مطرح شد بر خلاف گذشته، دول مرفه توسعه یافته در اتحادیه اروپا می‌بایست مرزهای داخلی خود را با کشورهای کمتر توسعه یافته برای اولین بار به اشتراک می‌گذاشتند؛ بنابراین احتمالاً هجوم مهاجران نسبت به گذشته زیاده‌تر به نظر می‌رسید. متقابلاً ترس مردم توسط رسانه‌ها و سیاست‌گذاران به طور یکسان افزایش یافت. در واکنش به این ترس اتحادیه

1 - Eurosur

2 - transitional agreements

اروپا تصمیم گرفت موافقت‌نامه‌های انتقالی را برای همه اعضای جدید به اجرا بگذارد، به استثنای مالت و قبرس که با توجه به اندازه کوچکشان نادیده گرفته شدند (Managing Migration in all its aspects, 2018, p.1-8).

ب- تأثیرات منفی بحران مهاجرت بر همگرایی اروپا

۱- تأثیر بحران مهاجرت بر قدرت هنجاری اتحادیه اروپا

به طور کلی در محافل علمی و سیاسی، اتحادیه اروپا به عنوان یک بازیگر بین‌المللی متفاوت و متمایز قلمداد شده است. عنوان‌هایی چون قدرت مدنی، قدرت نرم و اخیراً قدرت هنجاری برای توصیف جایگاه اتحادیه اروپا در روابط بین‌الملل به کار رفته است. مانرز که در نوشته‌های خود توجه خاصی به اتحادیه اروپا به عنوان یک بازیگر هنجاری دارد، در معرفی اتحادیه اروپا به عنوان قدرت هنجاری آن را به عنوان یک بازیگر متمایل به شکل دهی، القاء، نشر و هنجاری نمودن قواعد و ارزش‌ها در امور بین‌المللی از طریق ابزارهای مسالمت‌آمیز توصیف می‌نماید (Carrera et al., 2015, p.10). مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت هنجاری عبارت‌اند از: دموکراسی، حاکمیت قانون و حقوق بشر، حفظ صلح، حل و فصل منازعات منطقه‌ای، تقویت نقش سازمان ملل و کمک به کشورهای کمتر توسعه یافته. حال سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که وضع فعلی مهاجرت چه تأثیری بر قدرت هنجاری اتحادیه اروپا می‌گذارد؟ جوزف موسکات^۱، نخست‌وزیر مالت گفته است آب‌های اروپایی نزدیک به آفریقا به یک گورستان تبدیل شده است و فریاد هزاران نفری که در بازداشتگاه‌هایی به سر می‌برند که دولت‌های اروپایی در کشورهای شمال آفریقا برای مهاجران غیرقانونی ساخته‌اند هم به گوش اروپائیان نمی‌رسد در واقع نوع مواجهه اتحادیه اروپا با مسئله بحران مهاجرت که عمدتاً آن را به عنوان ابزاری کنترل شده و برای بهبود منافع اقتصادی داخلی خود نگرسته و در برخورد با این مسئله گزینشی، پراکنده و سلیقه‌ای جهت‌گیری نموده‌اند و به تأثیرات جمعی سیاست‌های مهاجرتی جداگانه بر حقوق مهاجران و اتخاذ سیاست‌های مهاجرتی مشترک از طرف دیگر توجه ننموده‌اند باعث شده است که اولاً قدرت هنجاری اتحادیه اروپا بیشتر حالت شعاری داشته باشد و از طرف دیگر زمینه پذیرش آن در میان ملل مبدأ مهاجران و جوامع جهان سوم با تردید مواجه گردد.

۲- مهاجرت و اروپای بدون مرز

قاره اروپا به دلیل ساختار فرهنگی و نژادی آن نسبت به دیگر مناطق جهان از همگونی و یکپارچگی بیشتری برخوردار است. در این راستا پس از پشت سر گذاشتن تجربیات تلخ دو جنگ جهانی و احساس نیاز به این همگونی شاهدیم که در سال ۱۹۸۵ میلادی در اجلاس سران کشورهای عضو بازار مشترک اروپا در میلان روند عملی طرح اروپای واحد که پس از تصویب در مجالس ۱۲ کشور عضو اتحادیه اروپا از اول ژوئیه ۱۹۸۷ به اجرا در آمده بود آغاز گردید. پیش‌تر در ۵ دسامبر ۱۹۸۲ میلادی در اجلاس سران کشورهای عضو بازار مشترک در کپنهاک پیشنهاد شده بود که تجدید نظری اساسی در عهد نامه سال ۱۹۵۷ میلادی رم صورت گیرد و متعاقب این پیشنهاد سران دولت‌های عضو در ۳۰ ژوئن ۱۹۸۵ میلادی در میلان فکر تجدید نظر در عهد نامه رم را مورد تصویب قرار دادند. به موجب این سند تمامی موانع جغرافیایی، فیزیکی، گمرکی، فنی، مالی و اصولاً کلیه موانعی که به نوعی

^۱. Joseph Muscat

وجود یک بازار مشترک واقعی، داخلی و واحد را نفی می‌کند تا پایان سال ۱۹۹۲ بایستی حذف و هرگونه محدودیتی در خصوص جابجایی افراد، سرمایه، کالا و خدمات را از میان بردارند (رضی، ۱۳۹۴، ص. ۲۰). برخورداری از مزایای سیستم رقابت آزاد اقتصادی اساس این بازار واحد و بزرگ است. اروپای بدون مرز کارکردهای مرزها در مفهوم سنتی آن را که با ابزارهای گمرک، تعرفه‌های گمرکی، مالیات، روادید و دیدبان‌های نظامی بر تعامل‌های میان دولت‌ها نظارت می‌کنند را کم رنگ نموده است. با وجود روند ایجاد اروپای بدون مرز شاهدیم که کشورهای اروپایی هر کدام به صورت جداگانه سیاست مهاجرتی خاص خود را دنبال می‌نمایند و در واقع سیاست‌های مهاجرتی استثنایی بر مفهوم اروپای بدون مرز می‌باشند. به عنوان مثال نخست وزیر انگلستان در مقاله‌ای در نشریه فایننشال تایمز از یک سری محدودیت‌ها برای دریافت مزایای رفاهی از سوی تمام کارگران مهاجر در انگلیس خبر داد. دیوید کامرون^۱ گفت، بر اساس قوانین جدید، مهاجران اتحادیه اروپا نمی‌توانند در مدت سه ماه اول اقامت خود در انگلیس، ادعای مزایای خارج از کار داشته باشند. وی همچنین اظهار داشت، پرداخت مزایای اجتماعی به اتباع اتحادیه اروپا که در انگلیس بیکار هستند بعد از شش ماه متوقف خواهد شد مگر اینکه بتوانند ثابت کنند که چشم اندازی واقعی برای شاغل شدن دارند. اتخاذ این سیاست در برابر مهاجران آشکارا چالشی اساسی در برابر مفهوم اروپای بدون مرز بوده و نشان می‌دهد که سیاست مهاجرت در اروپا واقعیتی ناهمگون و فاقد انسجام دارد که تحت سلطه سیاست‌های مهاجرتی ملی کشورهای عضو آزادی رفت و آمد در اروپای بدون مرز را محدود می‌نماید.

۳- بحران مهاجرت و روابط اقتصادی کشورهای اروپایی

از یک طرف جمعیت در اتحادیه اروپا به سرعت در حال پیر شدن است و بیکاری در بسیاری از کشورهای عضو اتحادیه اروپا بالا است و کمبود متخصصین حرفه‌ای و همچنین افرادی که مایل به گرفتن دستمزد کم و شغل سطح پایین هستند وجود دارد. مهاجرت ابزاری برای غلبه بر حداقل برخی از این مشکلات در کوتاه‌مدت است. از طرف دیگر همه نوع ترس وجود دارد که مرزهای باز منجر به تحریف بازار کار، فروپاشی نظام‌های امنیت اجتماعی، خطرات امنیتی شدید و سست شدن هویت می‌شود. از این رو سیاست‌گذاری در این زمینه‌ها کند و پرزحمت است که مباحث مربوط به مهاجرت اروپا و سیاست پناهندگی این امر را نشان می‌دهد. در این چارچوب شاهد تقابل دو گفتمان سیاسی متناقض: ۱- اروپای بدون مرز و ۲- اروپای امن هستیم؛ بنابراین در واقع مبنای اتخاذ سیاست‌های مهاجرتی گوناگون و ناهمگون در میان کشورهای اروپایی محاسبات اقتصادی است و در واقع می‌توان گفت که در اروپای معاصر وظایف نگهداری محدود به مرزهای خارجی نیست، بلکه تمرکز بر دسترسی به نهادهای خدمات عمومی، نظام‌های امنیت اجتماعی و خدمات رفاهی، بازار کار و همچنین موقعیت‌های کلیدی در نظام سیاسی را نیز شامل می‌شود. کنترل از سازمان بازرسی کار، سازمان‌های مسکن عمومی و رفاه و بخش امنیت اجتماعی به جای نگهداران مرزی اعمال می‌شود (Maldini et al., 2017, p.64). با توجه به اینکه بخشی از مهاجرت‌ها در چارچوب روابط اقتصادی کشورها انجام می‌شود اتخاذ محدودیت‌های مهاجرتی در قالب سیاست‌های مهاجرتی یک‌جانبه

^۱ -David Cameron

باعث اعمال مشابه از سوی سایر کشورهای منطقه می‌شود و روابط اقتصادی را در حالتی از مخاصمه و بی‌اعتمادی فرو خواهد برد و کشورها در روابط اقتصادی خود از سیاست مهاجرت به عنوان ابزاری برای ضربه زدن و گرفتن امتیاز از رقبا استفاده خواهند کرد.

۴- تأثیر بحران مهاجرت بر سیاست هویتی کشورهای اروپا

بحران مهاجرت تاکنون تأثیرات مختلفی بر کشورهای اروپایی داشته است که یکی از این ابعاد هویت اروپایی و نیز هویت کشورهای این منطقه است. در واقع کشورهای اروپایی به مهاجرت به عنوان ابزاری برای بازسازی و توسعه اقتصادی می‌نگریستند و در این زمینه فاقد برنامه بلند مدت برای مهار جوانب مختلف این مسئله از جمله تقابل فرهنگی و هویتی مهاجران عمدتاً مسلمان عرب تبار، آفریقایی تبار و آسیایی تبار بودند. کشورهایمانند انگلیس، فرانسه و آلمان رویکردهایی را برای مقابله با این وضعیت پذیرفته‌اند که الگوی فرانسوی بر همانندسازی تمام عیار خارجیان با هویت ملی فرانسه، الگوی انگلیسی بر تضمین نسبی هویت جامعه مهاجران و الگوی آلمانی بر جدا انگاری و طرد مهاجران استوار است (Maldini & Takahashi., 2017, p.57). بنابراین بعد از سپری شدن امواج سه گانه مهاجرتی (مهاجرات کارگران، پیوستن خانواده‌ها، مهاجرت پناهندگان و آوارگان) با پایان جنگ سرد یکی از مهم‌ترین عوامل شکل دهنده سیاست‌های مهاجرتی کشورهای اروپایی مسئله هویت است و به عبارت دیگر سیاست مهاجرت در کشورهای اروپایی بعدی هویتی پیدا می‌کند. در واقع از باعث شده است که کشورهای اروپایی هویت خود را در خطر دیده و در نتیجه جنبش‌های راست افراطی و ضد مهاجرتی در اروپا گسترش پیدا کرده است (محمدرضا، ۱۳۹۵، ص. ۷۹).

۵- بحران مهاجرت و سیاست امنیتی اتحادیه اروپا

در مورد تأثیر بحران مهاجرت بر سیاست امنیتی اتحادیه اروپا بایستی توجه نمود که اثرات سوء سیاست‌های مهاجرتی جداگانه و پیروی نمودن از یک سیاست مهاجرتی واحد و اروپایی تهدیدات امنیتی جدیدی را فرا روی کشورهای این منطقه قرار داده است. تهدیداتی مانند ناامنی هویتی، رشد افراط‌گرایی و جنبش‌های راست افراطی در داخل کشورها و در سطح اتحادیه اروپا، نضج گرفتن دوباره جنبش‌های نژادپرستانه و ضد مهاجرتی و نیز مهاجران غیرقانونی از جمله این تهدیدات به شمار می‌روند که بیم آن می‌رود در آینده به تهدیدات جدی حتی برعلیه روند همگرایی اتحادیه اروپا تبدیل گردند. در واقع این مسائل سبب شده است که منابع تهدید داخلی نیز در تدوین سیاست‌های امنیتی اتحادیه اروپا در نظر گرفته شود. در این رهگذر وزرای کشور و دادگستری دولت‌های عضو مسئولیت تدوین و پیشبرد سیاست‌های مهاجرتی اتحادیه را عهده‌دار بوده و با نگاهی سیاسی و تلقی مهاجرت به مثابه تهدیدی امنیتی به طراحی و توسعه راهکارهای واکنشی و محدودساز در عرصه سیاست مشترک مهاجرتی پرداخته‌اند. هدف از این تکاپو، تقویت حوزه مانور و آزادی عمل دولت‌های عضو بوده است. هر چند اتحادیه هنوز از سیاست مهاجرتی واحد و یکپارچه‌ای پیروی نمی‌نماید (Dimitriadi, 2016, p.7).

۶- تأثیر بحران مهاجرت بر احزاب سیاسی کشورهای اروپایی

در حالی که افزایش سریع سهم مهاجران در جمعیت اروپا چالش‌های سیاسی بزرگی شامل جذب، آموزش و اشتغال را برای کشورهای اروپایی به وجود آورده است برای بسیاری از ناظران چالش اساسی‌تر افزایش همزمان احزاب جناح سیاسی راست افراطی است.

جدول شماره ۲- مهم‌ترین احزاب راست افراطی اروپا

کشور	حزب راست افراطی
اتریش	حزب رهایی اتریش (FPÖ) و اتحاد برای آینده اتریش (BZO)
بلژیک	ولام بلو/ ولام بلنگ (VB)
سوئیس	حزب مردم سوئیس (SVP)، حزب ملی سوئیس (PNOS) و حزب سوسیال دموکرات‌ها (SD)
دانمارک	حزب مردم دانمارک (DF) و حزب ترقی دانمارک (FP)
آلمان	حزب دموکراتیک ملی آلمان (NPD) و جمهوری خواهان (REP)
فنلاند	حزب فنلاندی‌ها (PS) و فنلاندی چشم آبی - سفید پوست (SKS)
فرانسه	جبهه ملی (FN)، جنبش ملی حزب جمهوری خواه (MNR) و جنبش برای فرانسه (MPF)
مجارستان	حزب عدالت و زندگی مجارستانی (MIEP) و جنبش برای مجارستان بهتر (Jobbik)
ایتالیا	جنبش اجتماعی - شعله سه رنگ (MS-FT) و اتحادیه شمالی (LN)
هلند	فهرست بیم فورتاین (LPF) و حزب برای آزادی (PVV)
نروژ	حزب پیشرفت (FRP)
پرتغال	حزب ملی احیاء (PNR)
سوئد	دموکرات‌های سوئد (SD)
بریتانیا	حزب استقلال بریتانیا (UKIP) و حزب ملی انگلیس (BNP)

Source: Davis & Deole, 2017: 1-3

علاوه بر ظهور چالش احزاب راست افراطی، اجماع چپ میانه حول محور نهادهای اروپایی نیز تحت تأثیر تصمیم بریتانیا برای خروج از اتحادیه اروپا دچار چالش شده است. بحران مهاجرت همچنین پرسش‌های بنیادینی مربوط به نقش هویت قومی در جوامع اروپایی و پتانسیل درگیری‌های قومی در اروپا را بوجود آورده است. مطالعات نشان می‌دهد که افزایش مهاجران نقش مهمی در موفقیت کنونی احزاب راست افراطی در تعدادی از کشورهای اروپایی ایفا کرده است: به عنوان پژوهش‌ها و همکاران (۲۰۱۷) در مورد اتریش؛ دوستان و همکاران (۲۰۱۶) و هارمون- (۲۰۱۷) در مورد دانمارک، اتو و آستین هارت (۲۰۱۴) در شهر هامبورگ (آلمان)، سیکیرس و واسیلاکیس (۲۰۱۶) در یونان، بارون و همکاران (۲۰۱۶) در ایتالیا؛ برونر و کوهن (۲۰۱۴) در سوئیس و بکر و فترز (۲۰۱۶) در انگلستان.

جدول شماره ۳- سهم آراء احزاب راست افراطی اروپا در انتخابات پارلمانی ملی در دوره زمانی ۲۰۱۷-۲۰۰۲

کشور	انتخابات ۱	انتخابات ۲	انتخابات ۳	انتخابات ۴	انتخابات ۵	انتخابات ۶
اتریش	۱۰/۰۱	۱۵/۱۵	۲۸/۲۴	۲۴/۰۴	-	-
بلژیک	۱۳/۵۷	۱۳/۹۶	۸/۲۷	۳/۶۷	-	-
سوئیس	۲۷/۷۱	۲۹/۴۶	۲۶/۸	۲۹/۵	-	-
آلمان	۰/۳	۱/۹	۱/۹	۳/۵	-	-
دانمارک	۱۳/۳	۱۳/۹	۱۲/۳۲	۲۱/۱	-	-
فنلاند	۱/۸	۴/۲	۱۹/۰۴	۱۷/۶۵	-	-
فرانسه	۱۳/۲۳	۵/۸۸	۱۳/۶	۱۳/۲	-	-
بریتانیا	۲/۹	۵	۱۲/۶	۱/۹	-	-
مجارستان	۴/۶	۱/۷	۱۶/۷	۲۰/۲۲	-	-
ایتالیا	۵/۱۸	۱۰/۷۳	۴/۲۱	-	-	-
هلند	۱۷	۵/۷	۶/۱	۱۵/۴۵	۱۰/۰۸	۱۳/۱
نروژ	۲۲/۰۶	۲۲/۹۱	۱۶/۳۵	-	-	-
پرتغال	۰/۰۹	۰/۱۶	۰/۲	۰/۳۱	۰/۵	-
سوئد	۱/۴	۲/۹۳	۵/۷	۱۲/۸۶	-	-

Source: (Davis & Deole, 2017: 1-3)

۷- بحران مهاجرت و بحران اقتصادی کشورهای اروپایی

بر اساس مطالعه انجام گرفته توسط او. ایی. سی. دی.^۱ در سال ۲۰۱۴ میلادی، در ده سال گذشته مهاجران حدود ۷۰ درصد از افزایش نیروی کار اروپا را به خود اختصاص داده‌اند (در ایالات متحده رقم مربوطه ۴۷ درصد است). بحران مهاجرت باعث افزایش هزینه‌های عمومی کشورهای اروپایی برای رسیدگی به درخواست‌های پناهندگی و تأمین شرایط امن برای اقامت پناهندگان شده است. هم اتحادیه اروپا و هم دولت‌های اروپایی کمک‌هایی را به برخی کشورهای مهاجرت فرست و همچنین به کشورهای واسطه مانند ترکیه انجام داده‌اند. بر طبق گزارش او ای سی دی آلمان، ۰/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ میلادی خود را به رفع نیازهای اولیه پناهجویان و ادغام آن‌ها در بازار کار اختصاص داده است. همچنین اتریش ۰/۳ درصد و سوئد ۰/۹ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را در سال ۲۰۱۶ میلادی به مهاجران اختصاص داده‌اند. دولت ترکیه از سال ۲۰۱۱ میلادی به پناهندگان سوری در ترکیه کمک می‌کند که برابر با ۰/۸ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۱۴ میلادی است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بحران مهاجرت بر سطح دستمزدها و نیز فرصت‌های شغلی برای بومیان و مهاجران قدیمی‌تر و کم مهارت تأثیر منفی گذاشته است اما برای شاغلان آموزش دیده و مشاغل سطح بالا از طریق فراهم آوردن نیروی کار یدی ارزان دارای تأثیر مثبتی بوده است. بحران مهاجرت هم چنین نیروی کار بومی را از بخش غیر رسمی بازار کار خارج کرده و جای آن‌ها را مهاجران گرفته‌اند که این مورد در ترکیه که اکنون دو و نیم میلیون مهاجر و پناهنده سوری را در خود جای داده است به وضوح قابل مشاهده است (EEAG, 2017: p. 82-101).

نتیجه‌گیری

مهاجرت پدیده‌ای است که به طور معمول و تاریخی در اروپا وجود داشته است و حتی از نظر بسیاری از کارشناسان و پژوهشگران، اروپا بیشتر از آن که از این پدیده متضرر شود منتفع گردیده است. اما بحران مهاجرت مورد نظر این مقاله سرازیر شدن حجم میلیونی و انبوه آوارگان و پناهندگان در بازه زمانی عمدتاً یک ساله ۲۰۱۴-۲۰۱۵ میلادی را نشان می‌دهد. فرضیه مقاله این است که به نظر می‌رسد بحران مهاجرت مذکور ابعاد مختلف همگرایی اروپا را متأثر می‌سازد. برای آزمون این فرضیه از رویکرد نظری سیستم مهاجرت ماگوبونج استفاده شد. بدین منظور بحران مهاجرت به عنوان سیستمی در نظر گرفته شد که با ابعاد مختلف حیات اروپای همگرا شده به عنوان محیط سیستم دارای تبادل و تأثیر و تأثر است که در نتیجه آن هم سیستم تغییر می‌کند و هم محیط سیستم. به طور کلی برونادهای بحران مهاجرت ۲۰۱۵ میلادی به عنوان سیستم مورد نظر این مقاله در قالب مواردی همچون مهاجرت غیر قانونی، انبوه و غیر قابل کنترل و غیر لازم به محیط سیستم که اتحادیه اروپا است وارد و در مقابل برونادهای اتحادیه اروپا نیز در قالب نامنی، بیکاری، تورم، کسری بودجه، ناامنی فرهنگی و هویتی و تروریسم به درون سیستم فرستاده شده‌اند. بازخورد حاصل از این تعامل منفی است؛ زیرا سیستم مهاجرت که تاکنون دارای بازخور مثبت برای سیستم و محیط بوده است اکنون با بحران پیش آمده در آن دچار انحراف از اهداف شده است. این انحراف تأثیرات چندی بر ساختارهای همگرا شده اتحادیه اروپا دارد که مهم‌ترین آن‌ها در یازده مورد بررسی شد.

^۱. OECD

منابع

- رضی، محمد رضا (۱۳۹۴)، عملکرد کشورهای عضو اتحادیه اروپا در قبال پناهیجویان، ماهنامه پژوهش ملل، دوره اول، شماره یکم (صفحه ۲۳ - ۳۰).
- سجادپور، سید کاظم (۱۳۸۴)، چارچوب‌های مفهومی و عملیاتی در مدیریت مهاجرت بین‌المللی مطالعه موردی ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۸ (صفحه ۹ - ۳۰).
- محمدنیا، مهدی (۱۳۹۵)، مهاجرت و رادیکالیسم در اتحادیه اروپا، فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، شماره دوم (ص ۸۶ - ۵۷).
- Archick, K. (2016). The European Union: Current Challenges and Future Prospects, Congressional Research Service Reports <https://digital.library.unt.edu/ark:/67531/metadc855829/>
- Carrera, S. & Radescu, R. & Reslow, N. (2015). EU External Migration Policies: A Preliminary Mapping of the Instruments, the Actors and their Priorities, Report prepared for the FP7 project 'Transnational Migration in Transition: Transformative Characteristics of Temporary Mobility of People' (EURA-NET), Deliverable 3.1 <http://www.uta.fi/aura-net/>
- Collett, E. & Le Coz, C. (2018). After the Storm: Learning from the EU response to the migration crisis. Brus. sels: Migration Policy Institute Europe(1-62)
- Davis, L. & S. Deole, S. (2017). Immigration and the Rise of Far-Right Parties in Europe, ifo DICE Report 4, Volume 15.
- De Haas, H. (2010a). The Internal Dynamics of Migration Processes: A Theoretical Inquiry, *Journal of Ethnic and Migration Studies* 36: 1587-617.
- Dimitriadi, A. (2016). Deals without Borders: Europe's Foreign Policy on Migration, European Council on Foreign Relations, European Council on Foreign, European Council on Foreign Relations, 11 pages
- Dimitriadi, A. (2017c). Governing irregular migration at the margins of Europe. The case of hotspots on the Greek islands, *Etnografia e ricerca qualitative* 1:75-96.
- EEAG. (2017). The EEAG Report on the European Economy, "Immigration and the Refugee Crisis – Can Europe rise to the Challenge?" CESifo, Munich 2017, pp. 82-101.
- Fillmore, M. (2016). Italy, the European Union, and Mediterranean Migrants, www.dtic.mil/dtic/tr/fulltext/u2/1029749.pdf
- Grigonis, S. (2016). EU in the face of migrant crisis: Reasons for ineffective human rights protection. In: *International Comparative Jurisprudence*. URL: <https://ac.els-cdn.com/S2351667416300439/1-s2.0-S2351667416300439-main.pdf?>
- Kubal, A. & Bakewell, O. & de Haas, H. (2011a). The Evolution of Brazilian Migration to the UK: Scoping Study Report', Oxford: International Migration Institute, University of Oxford, available online at www.imi.ox.ac.uk/research-projects/themis.
- Kubal, A. & Bakewell, O. & de Haas, H. (2011b). The Evolution of Ukrainian Migration to the UK: Scoping Study Report', Oxford: International Migration Institute, University of Oxford, available online at www.imi.ox.ac.uk/research-projects/themis.
- Kubal, A. & Bakewell, O. & de Haas, H. (2011c). The Evolution of Moroccan Migration to the UK: Scoping Study Report', Oxford: International Migration Institute, University of Oxford, available online at www.imi.ox.ac.uk/research-projects/themis.
- Kurekova, L. (2011). Theories of migration: Conceptual review and empirical testing in the context of the EU East-West flows. Interdisciplinary Conference on Migration. Economic Change, Social Challenge. April 6-9, University College. London: Central European University.
- Mabogunje, A. L. (1970). Systems Approach to a Theory of Rural-Urban Migration, *Geographical Analysis* 2: 1-18.
- Maldini, P. & Takahashi, M. (2017). Refugee Crisis and the European Union: Do the Failed Migration and Asylum Policies Indicate a Political and Structural Crisis of European Integration? <https://hrcak.srce.hr/file/282454>
- Managing Migration in all its aspects, (2018). Commission Note ahead of the June European Council 2018, https://ec.europa.eu/commission/sites/beta-political/files/euco-migration-booklet-june2018_en.pdf

- Migration to the EU: five persistent challenges, (2018). see at:
<http://fra.europa.eu/en/publication/2018/five-persistent-migration-challenges>
- Poddar, S. (2016). "European Migrant Crisis: Financial Burden or Economic Opportunity?" (2016). Social Impact Research Experience(SIRE). 43. <http://repository.upenn.edu/sire/43>
- Stiftung, R. B. (2017). Opportunities in Crisis: The Future of Refugee Policy in Germany and Europe Nine core messages. http://www.bosch-stiftung.de/content/language2/downloads/SVR_Annual_Report_2017_Nine_Core_Messages.pdf
- Weber, B. (2017). The EU-Turkey Refugee Deal and the Not Quite Closed Balkan Route. <http://library.fes.de/pdf-files/wiso/13536.pdf>
- Wintour, P. (2017). EU takes action against eastern states for refusing to take refugees. <https://www.theguardian.com/world/2017/jun/13/eu-takesaction-against-eastern-states-for-refusing-to-take-refugees>

منابع اینترنتی

- ۱۶ مارس ۲۰۱۸. کشورهای مبدأ پناهندگان به اروپا.
https://ec.europa.eu/eurostat/statistics-explained/index.php/Asylum_statistics
- ۵ سپتامبر ۲۰۱۸. آمار مهاجرت‌های غیرقانونی به اتحادیه اروپا.
<https://www.statista.com/statistics/454817/number-of-facilitators-of-illegal-eu-immigration/>
- ۳ جولای ۲۰۱۸. مهاجران فوت شده در دریای مدیترانه در هر ماه.
<https://www.theguardian.com/world/2018/jul/03/mediterranean-migrants-drown-three-days-libya-italy>

